

رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با ساختار قدرت (مورد مطالعه شهر خرم‌آباد)

کریم کریمی آرا<sup>۱</sup>، شاپور بهیان<sup>۲</sup>، اصغر محمدی<sup>۳</sup>

The relationship between family social capital and power structure (case study of Khorramabad city)

Karim Karimi Ara<sup>1</sup>, Shapour Bahian<sup>2</sup>, Asghar Mohammadi<sup>3</sup>

چکیده

**زمینه:** مطالعات متعددی پیرامون سرمایه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده انجام شده است، اما پیرامون رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با ساختار قدرت شکاف تحقیقاتی وجود دارد. **هدف:** بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با ساختار قدرت (مورد مطالعه شهر خرم‌آباد) بود. **روش:** پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش زنان ۱۷-۵۳ ساله ساکن در شهر خرم‌آباد بود. تعداد ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از: پرسشنامه سرمایه اجتماعی غفاری و اوتق (۱۳۸۵) و پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده مهدوی و صبوری خسرو شاهی (۱۳۸۲). تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی دو متغیره و تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام شد. **یافته‌ها:** بین ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد ساختار قدرت در خانواده رابطه معنادار و مثبت وجود دارد ( $P < 0/05$ ). همچنین بین سرمایه اجتماعی بیرونی، سرمایه اجتماعی درونی و سرمایه اجتماعی ارتباطی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد ( $P < 0/05$ ). **نتیجه‌گیری:** می‌توان با سرمایه اجتماعی بیرونی ساختار قدرت را پیش‌بینی کرد. **واژه کلیدها:** سرمایه اجتماعی، خانواده، ساختار قدرت

**Background:** Numerous studies have been conducted on the social capital and structure of family power, but there is a study of the relationship between family social capital and the power structure of the research gap. **Aims:** The purpose of this study was to investigate the relationship between family social capital and power structure (Khorramabad city). **Method:** This was a correlational study. The statistical population of this study was 17-13 year old women living in Khorramabad city. A sample of 384 was selected by stage cluster sampling. The research tools are: Gafari & Awagh Social Capital Questionnaire (2006) and Power Structure Questionnaire in Mahdavi and Sabouri Family of Khosrow Shahi (2003). Data were analyzed using two-way correlation coefficient and multivariate regression analysis. **Results:** There was a significant and positive relationship between dimensions of social capital and dimensions of power structure in the family ( $P < 0/05$ ). There was also a significant positive relationship between external social capital, internal social capital and social capital ( $P < 0/05$ ). **Conclusions:** can predict the structure of power with external social capital. **Key Words:** Social capital, family, power structure

Corresponding Author: KarimiaraKarim@yahoo.com

- <sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
- <sup>۲</sup> استادیار، گروه مدیریت، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران (نویسنده مسئول)
- <sup>۳</sup> استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
- <sup>۱</sup> Ph.D Student, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran
- <sup>۲</sup> Assistant Professor, Department of Management, Mobarak Branch, Islamic Azad University, Mobarak, Iran (Corresponding Author)
- <sup>۳</sup> Assistant Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

پذیرش نهایی: ۹۹/۰۱/۰۵

دریافت: ۹۸/۱۱/۱۵

## مقدمه

قدرت جزئی لاینفک از حیات بشری است که در جامعه و به تبع آن، در همه‌ی ارکان اجتماعی از جمله خانواده مطرح است (ساروخانی، ۱۳۸۴). از آنجا که قدرت در همه‌ی روابط متقابل بین افراد ساری و جاری است، شکل تصمیم‌گیری‌ها و انجام کارها در گروه، خانواده را متأثر می‌کند. قدرت، متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد، گروه و حتی روابط مرسوم بین افراد باید مورد توجه قرار گیرد و خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست (سام‌آرا، ۱۳۸۷). وبر ۱۹۱۹، قدرت را امکان تحمیل اراده‌ی یک فرد بر رفتار دیگران تعریف می‌کند و از دیدگاه پارسونز ۱۹۷۳ قدرت امکان دستیابی به تسهیلاتی است که تصرف آنها مطلوب، و عرضی آنها نسبت به تقاضا محدود است. در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که از راه رفتارهای عینی اعضا قابل مشاهده است و معمولاً شاخص عمده‌ی تعیین میزان قدرت زن و شوهر در روابط متقابلشان، الگوی مشارکت در تصمیم‌گیری است (گروسی، ۱۳۸۷).

قدرت برتر مردان نسبت به زنان به ویژه در محیط خانواده که به سلطه مردان یا مردسالاری انجامیده جزء پدیده‌های اجتماعی عام و جهانی به شمار آمده است (بستان، ۱۳۸۵). ساختار قدرت در خانواده را به چهار نوع تقسیم می‌کنند؛ خانواده‌ی برابری خواه، خودمختار، سلطه‌ی مرد و سلطه‌ی زن (بلاد، ۱۹۶۴). در واقع برداشت ما از توزیع قدرت زوجین ما را به ساختار نقش‌های خانوادگی ارجاع می‌دهد، شاخص قدرت در خانواده میزان تأثیرگذاری بر تصمیمات خانوادگی است. فردی که کنترل بیشتری بر رفتار دیگری دارد دارای قدرت بیشتری است و تصمیم‌گیری را او انجام می‌دهد (اسمورداد، ۱۹۹۵). در مناطق روستایی که هنوز دیدگاه سنتی در مورد خانواده وجود دارد، زنان سعی می‌کنند نقش‌های سنتی خود را به عنوان همسر و مادر حفظ کنند و مردان نیز به عنوان نان‌آور خانواده باشند که این خود باعث تقویت پدرسالاری می‌شود (اریک، ۲۰۰۱). ساختار قدرت در میان اعضای خانواده به عوامل فرهنگی، اجتماعی و سرمایه اجتماعی بستگی دارد. بوردیو (۲۰۱۲) معتقد است هرچه فرد سرمایه بیشتری داشته باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار خواهد بود. جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل در اختیار دارند تعیین می‌کند و این سرمایه است که به یک فرد اجازه می‌دهد سرنوشت خود و دیگران را

تحت کنترل قرار دهد اعتقاد وی، افزایش یا کاهش مجموع حجم سرمایه‌ای که افراد در اختیار دارند قابلیت این را خواهد داشت که در طول زمان جایگاه آن‌ها را تغییر دهد (اعزازی، ۱۳۸۹). به متغیر سرمایه اجتماعی بر ساختار قدرت در درون خانواده تأثیرگذار است. سرمایه مولد است و دست‌یابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهند بود امکان‌پذیر می‌کند. سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ی بادوام روابط کمابیش نهادینه شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر، عضویت در یک گروه است (حسینی و احمدی، ۱۳۹۲). ولکاک و نارایان ۱۹۹۸ با استفاده از دیدگاه هم‌افزایی برای بررسی جامع‌تر سرمایه اجتماعی آن‌ها در سه بعد مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این ابعاد عبارتند از: ۱. سرمایه اجتماعی محدود یا درون‌گروهی: سرمایه اجتماعی محدود به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت متکی هستند؛ ۲. سرمایه اجتماعی اتصال یا برون‌گروهی: سرمایه اجتماعی اتصالی به شبکه‌های ارتباطات نامتجانس‌تر برون‌گروهی اشاره دارد؛ ۳. سرمایه اجتماعی ارتباطی: سرمایه اجتماعی ارتباطی به طور خاص به پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی، و به طور عام به ارتباطات بین افراد و گروه‌ها اشاره دارد که در ساختار قدرت، موقعیت‌های متفاوتی را اشغال می‌کند (علی‌پور، ۱۳۹۱).

خانواده به منزله یکی از نهادهای اجتماعی اساسی است که می‌توان آن را از عرصه‌های مهم ظهور و بروز کشمکش‌های قدرت دانست. حضور هرچه بیشتر زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در دهه‌های اخیر، زمینه‌ساز برخورداری روزافزون آنها از اشکال مختلف سرمایه اجتماعی را موجب شده است. تأثیرات این بهره‌مندی بیشتر، چه به شکل دسترسی به فرصت‌های شغلی یا ارتقای موقعیت‌های شغلی، که نتیجه آن استقلال مالی است، و چه به صورت دگرگونی ساختارهای فکری سنتی در مورد نقش‌ها و حقوق خود، به هم خوردن مناسبات سنتی در حوزه ساختار خانواده، ساختار به معنای کلیه روابط بین اعضا به ویژه روابط و مناسبات بین زن و شوهر را باعث شده است (بوردیو، ۱۹۸۶). مسلماً، بهره‌مندی زنان یک جامعه از ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به یک اندازه نخواهد بود. حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و تأمین مالی بخشی از هزینه‌های خانواده از درآمد زنان، قدرت چانه‌زنی آنها را در خانواده بالاتر برده است. شواهد مختلفی نشان‌دهنده آن است که داشتن منابعی چون تحصیلات، اشتغال یا

تحصیلات بیشتر می‌شود، ساختار قدرت در خانواده مشارکتی‌تر می‌گردد.

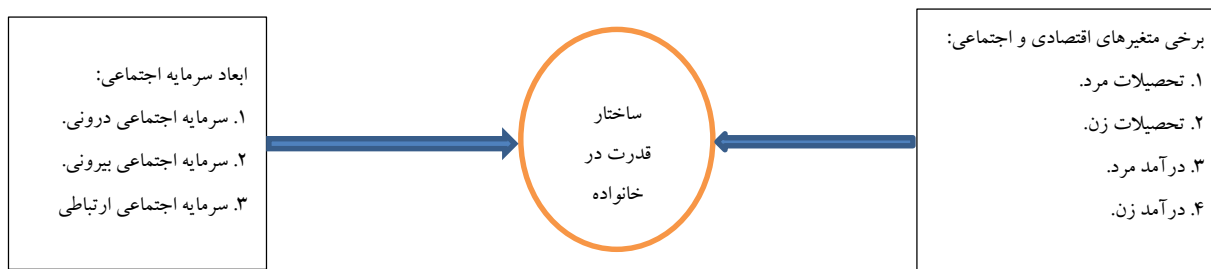
سربینی واسن (۲۰۰۹)، در پژوهشی که با هدف «شبکه‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری: مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده» به این نتیجه دست یافت، که اشتغال، درآمد، تحصیلات، مذهب و ساختار خانواده (هسته‌ای و غیرهسته‌ای) بر مشارکت زن در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. در مورد ساختار خانواده به این نکته اشاره می‌کند که، از آنجایی که شبکه‌ی اجتماعی بر تصمیم‌گیری تأثیر دارد، زنان خانواده‌های غیرهسته‌ای در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت بیشتری دارند.

سئول (۲۰۰۸)، بر الگوهای اقتدار و نقش جنسی زندگی خانوادگی مهاجران کره‌ای نشان داد که بسیاری از خانواده‌های کره‌ای ساکن سیدنی و ملبورن، صرف نظر از پیشینه اقتصادی و اجتماعی‌شان، به ایدئولوژی‌های سنتی پایبندند و زندگی خانوادگی مردسالار اغلب از سوی اجتماع قومی تحکیم و توجیه می‌شود. از طرف دیگر، بعضی دیگر از خانواده‌ها زندگی خانوادگی مساوات طلب را به دلیل مشارکت اقتصادی زنان و همچنین تأثیر فرهنگ جدید اتخاذ کرده‌اند که بیشتر در مورد خانواده‌های مهاجر جوان صادق است. به طور کلی تحقیقات انجام شده در مورد ساختار قدرت در خانواده، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تأثیراتی که می‌تواند بر ساختار قدرت در خانواده و نوع روابط میان همسران داشته باشند در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است. درحالی که مطالعه چگونگی تأثیرگذاری متغیر سرمایه اجتماعی و انواع آن بر نوع روابط قدرت مابین زن و شوهر کمتر مورد توجه بوده است. با توجه به معناداری رابطه سرمایه اجتماعی با ساختار قدرت در خانواده در پژوهش حاضر بر آن شدیم که ارتباط بین این دو متغیر را در جمعیت زنان متأهل خرم آباد مورد سنجش قرار دهیم. در این پژوهش تأثیر سرمایه‌های اجتماعی زنان بر سهم آنها از توزیع قدرت در خانواده در نظر گرفته شده است. هدف از پژوهش پاسخ‌گویی به این سؤال است، آیا بین سرمایه اجتماعی خانواده با ساختار قدرت رابطه وجود دارد؟

درآمد زنان در خارج از خانه می‌تواند اثر مثبتی در تقسیم کار خانگی و تغییر جایگاه زنان به همراه داشته باشد (بوردیو، ۱۹۸۶). در ایران با توجه به جوان بودن جمعیت کشور و ورود زنان به عرصه اشتغال، نیروی کار زنان روبه افزایش است (کریمی و جهان‌تیغ، ۱۳۹۳). در پژوهشی عنایت و رئیسی (۱۳۹۱) که متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان درآمد، میزان آگاهی پاسخ‌گو از حقوق زن و وابستگی عاطفی پاسخگو به همسرش با نحوه توزیع قدرت در خانواده در سطح ۹۹ درصد ۴۳/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته اطمینان رابطه معنادار و مثبت داشته‌اند و به طور کلی تحقیق را تبیین کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی (زنجانی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳) تحت عنوان بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت علیه زنان نشان داد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و خشونت علیه زنان رابطه‌ی معکوس وجود دارد یعنی هر چه سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر باشد خشونت کمتری نسبت به زنان وجود دارد. توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، با عنوان "تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌ها" انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که میزان دسترسی زنان یا مردان به منابع ارزشمندی مثل اشتغال، تحصیلات و... می‌تواند موجب گردد هرم قدرت به نفع او تغییر یابد.

زارعی توپخانه، جان بزرگی و احمدی (۲۰۱۵) دریافتند، بین ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده و عملکرد خانواده (عملکرد کلی خانواده، عواطف و حل مسئله) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

عبادنژاد (۱۳۹۲) با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده با تأکید بر زنان شاغل به این نتیجه رسید که: عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند داشتن دارایی و درآمد و شغل و همچنین تحصیلات زن ساختار قدرت در خانواده را متعادل‌تر می‌نماید. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی (میزان درآمد ماهیانه، میزان پس‌انداز، تملک دارایی و میزان اضافه‌کاری) از عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده می‌باشند که ساختار قدرت در خانواده را دموکراتیک‌تر می‌نمایند. میزان پس‌انداز بیشترین تأثیر و میزان اضافه‌کاری کمترین تأثیر را بر ساختار قدرت در خانواده دارد. همچنین نتایج حاصل از عوامل اجتماعی بر ساختار قدرت در خانواده نشان داد که بین تحصیلات و ساختار قدرت در خانواده رابطه مثبت و معنی‌دار با شدتی ضعیف وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش

به ترتیب از ۱ تا ۵ است. در این پرسشنامه، نمرات بالاتر گویای قدرت بیشتر مرد در خانواده است و نمرات پایین تر گویای قدرت بیشتر زن در خانواده است (مهدوی و صبوری خسرو شاهی، ۱۳۸۲).

پرسشنامه سرمایه اجتماعی غفاری و اوتق (۱۳۸۵): این پرسشنامه توسط غفاری و اوتق در سال (۱۳۸۵) تهیه شده است. که دارای سه مؤلفه می باشد، سرمایه اجتماعی محدود یا درون گروهی، سرمایه اجتماعی اتصالی و برون گروهی و سرمایه اجتماعی ارتباطی. سرمایه اجتماعی ۱۴ سؤال مربوط به مؤلفه درون گروهی است که مقدار آلفای کرونباخ در این مؤلفه ۰/۷۲ می باشد. ۱۴ سؤال مربوط به مؤلفه سرمایه اجتماعی برون گروهی است که مقدار آلفای کرونباخ این مؤلفه ۰/۷۰ می باشد و ۱۱ سؤال مربوط به مؤلفه سرمایه اجتماعی ارتباطی است که مقدار آلفای کرونباخ این مؤلفه ۰/۸۵ بود (غفاری و اوتق، ۱۳۸۵).

## یافته ها

زنان متأهل مورد بررسی در تحقیق حاضر به لحاظ سن، بین ۱۷ تا ۵۳ سال با میانگین سنی ۳۵ سال قرار داشتند و میانگین تعداد فرزندان ۴/۲ نفر برای هر خانواده بود. از نظر سطح سواد ۲۱/۱ درصد زیر دیپلم، ۲۴/۸ درصد دیپلم، ۲۳ درصد فوق دیپلم، ۱۶/۱ درصد لیسانس، ۱۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند. در حدود ۴۱ درصد شاغل و ۶۹ درصد خانه دار بودند. میانگین تعداد سال های زندگی مشترک، ۱۷ سال بود که حداقل آن ۱ سال و حداکثر آن ۳۵ سال بود. براساس میانگین فاصله سنی زوجین، مشخص شد که ۶/۵ از زنان مورد بررسی هم سن شوهر خود بوده اند، در ۹۰/۸ درصد مورد شوهر بزرگتر از زن و در ۳/۴ درصد موارد زن بزرگتر از شوهر خود بوده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان به ساختار قدرت در خانواده		
ساختار قدرت در خانواده	فراوانی	درصد
پایین	۱۲۰	۳۱/۲
متوسط	۱۷۲	۴۴/۸
بالا	۹۲	۲۴
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰

پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش زنان ۱۷-۵۳ ساله ساکن در شهر خرم آباد بوده است. طبق سرشماری ۱۳۹۵ تعداد زنان متأهل در شهر خرم آباد ۳۶۷۲۲ نفر است. از این تعداد ۳۸۴ نفر برای حجم نمونه در نظر گرفته شد. زنان متأهل از طریق شیوه نمونه گیری خوشه ای مرحله ای انتخاب شده اند، به این ترتیب که ابتدا جامعه آماری مورد نظر به چند منطقه کلی تقسیم شد و سپس از بین مناطق چند محله به طور تصادفی انتخاب شده اند. و در مرحله بعد از بین محله های منتخب، تعدادی خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند. داده های مورد نیاز با مراجعه ی پرسش گر به درب منازل پاسخ گویان و با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع آوری شد. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، داشتن سواد خواندن و نوشتن، ملاک های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه های پژوهش اطمینان داده شد. داده ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی دو متغیره و تحلیل رگرسیون چند متغیره با نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ تحلیل شدند.

## ابزار

پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده: پرسشنامه ۳۶ سؤالی ساختار قدر در خانواده ساخته شده توسط مهدوی و صبوری خسرو شاهی در سال (۱۳۸۲) است. این مقیاس دارای ۳ خرده مقیاس است، ۱۲ سؤال ساخت روابط قدرت سؤال های ۱ تا ۱۲، ۱۴ سؤال حوزه ها و قلمروی قدرت، سؤال های ۱۳ تا ۲۶ و ۱۰ سؤال شیوه های اعمال قدرت سؤال های ۲۷ تا ۳۶. بررسی تحلیل اعتبار آزمون اولیه با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ می باشد. پایایی آزمون به روش باز آزمایی (پس از یک ماه) به دست آمده است (یزدی و حسینی حسین آبادی، ۱۳۸۷). این آزمون توسط مؤلفان مورد بازبینی مجدد قرار گرفت که ضریب آلفا ۰/۸۶ به دست آمد. پرسشنامه پنج گزینه دارد که نمرات

در جدول ۱، ۳۱/۲ درصد پاسخ گویان ساختار قدرت در خانواده پایین، ۴۴/۸ درصد متوسط و تنها ۲۴ درصد ساختار قدرت در خانواده بالا بودند.

متغیرها	پایین		متوسط		بالا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سرمایه اجتماعی بیرونی	۱۰۲	۲۶/۵	۲۳۱	۶۰/۲	۵۱	۱۳/۳
سرمایه اجتماعی درونی	۸۱	۲۱/۲	۲۳۹	۶۲/۱	۶۴	۱۶/۷
سرمایه اجتماعی ارتباطی	۹۴	۲۴/۴	۲۴۳	۶۳/۴	۴۷	۱۲/۲

در جدول ۲ در مورد دیدگاه پاسخ گویان در مورد متغیر سرمایه اجتماعی چنین بیان شده است: سرمایه اجتماعی بیرونی: ۲۶/۵ درصد پاسخ گویان سرمایه اجتماعی بیرونی پایین، ۶۰/۲ درصد متوسط و ۱۳/۳ درصد سرمایه اجتماعی بیرونی بالا را انتخاب نمودند. سرمایه اجتماعی درونی: ۲۱/۲ درصد پاسخ گویان سرمایه اجتماعی بیرونی پایین، ۶۰/۱ درصد متوسط و ۱۶/۷ درصد سرمایه اجتماعی بیرونی بالا را انتخاب نمودند. سرمایه اجتماعی ارتباطی: ۲۴/۴ درصد پاسخ

گویان سرمایه اجتماعی بیرونی پایین، ۶۳/۴ درصد متوسط و ۱۲/۲ درصد سرمایه اجتماعی بیرونی بالا را انتخاب نمودند. جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد ساختار قدرت در خانواده را نشان می دهد. به طور کلی با اطمینان ۹۹ درصد بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی (درونی، بیرونی و ارتباطی) با ابعاد ساختار قدرت (روابط قدرت، قلمرو قدرت و شیوه های اعمال قدرت) رابطه معنی دار مثبت و معنی دار وجود دارد.

ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی	ابعاد ساختار قدرت در خانواده					
	ساخت روابط قدرت		حوزه ها و قلمرو قدرت		شیوه های اعمال قدرت	
	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی بیرونی	۰/۲۱۳	۰/۰۰۱	۰/۱۶۰	۰/۰۰۴	۰/۱۶۳	۰/۰۰۲
سرمایه اجتماعی درونی	۰/۱۴۱	۰/۰۰۲	۰/۱۵۵	۰/۰۰۱	۰/۲۲۱	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی ارتباطی	۰/۱۸۱	۰/۰۰۳	۰/۱۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۷۲	۰/۰۰۴

متغیرها	ساختار قدرت در خانواده	
	فراوانی	ضریب همبستگی پیرسون
سرمایه اجتماعی بیرونی	۳۸۴	۰/۷۱۹
سرمایه اجتماعی درونی	۳۸۴	۰/۶۱۶
سرمایه اجتماعی ارتباطی	۳۸۴	۰/۵۲۱

در بررسی فرضیه اول (بین سرمایه اجتماعی بیرونی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد). در این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که میزان همبستگی ۰/۷۱۹ و مقدار معناداری ۰/۰۰۱ می باشد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد بین سرمایه اجتماعی بیرونی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد. در بررسی فرضیه دوم (بین سرمایه اجتماعی درونی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد). در این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که میزان همبستگی ۰/۵۲۱ و مقدار معناداری ۰/۰۰۲ می باشد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد بین سرمایه اجتماعی ارتباطی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد.

در بررسی فرضیه اول (بین سرمایه اجتماعی بیرونی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد). در این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که میزان همبستگی ۰/۷۱۹ و مقدار معناداری ۰/۰۰۱ می باشد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد بین سرمایه اجتماعی بیرونی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد. در بررسی فرضیه دوم (بین سرمایه اجتماعی درونی با توزیع قدرت در خانواده رابطه وجود دارد). در این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که میزان همبستگی ۰/۶۱۶ و مقدار معناداری

توجه به سطح معناداری رابطه و منفی بودن ضریب، مشخص می‌شود که بین درآمد مردان (شوهر) و قدرت زنان در خانواده رابطه‌ای وجود ندارد. ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات زن و ساختار قدرت در خانواده برابر  $0/624-$  و سطح معناداری برابر  $0/000$  است. که با توجه به سطح معناداری رابطه و منفی بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه تحصیلات زن افزایش یابد قدرت زنان در خانواده افزایش پیدا می‌کند. ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات مرد و ساختار قدرت در خانواده برابر  $0/339-$  و سطح معناداری برابر  $0/000$  است. که با توجه به سطح معناداری رابطه و منفی بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه تحصیلات مرد افزایش یابد قدرت زنان در خانواده افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد و تحصیلات زوجین با

ساختار قدرت در خانواده		
متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درآمد زنان	$-0/427$	$0/000$
درآمد مردان (شوهر)	$-0/335$	$0/000$
تحصیلات زن	$-0/624$	$0/000$
تحصیلات مرد	$-0/339$	$0/000$

ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد زنان و ساختار قدرت در خانواده برابر  $0/427-$  و سطح معناداری برابر  $0/000$  است. که با توجه به سطح معناداری رابطه و منفی بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه درآمد زنان افزایش یابد قدرت زنان در خانواده افزایش پیدا می‌کند. ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد مردان و ساختار قدرت در خانواده برابر  $0/335-$  و سطح معناداری برابر  $0/000$  است. که با

جدول ۶. متغیرهای وارد به معادله رگرسیون چند متغیره به روش قدم به قدم

مرحله ورود متغیرها	متغیر	R	R2	R2 تنظیم شده	مقدار F	SigF	ضریب بتا	T	SigT
۱	سرمایه اجتماعی بیرونی	$0/439$	$0/193$	$0/192$	$19/202$	$0/000$	$0/430$	$3/988$	$0/000$
۲	سرمایه اجتماعی درونی	$0/511$	$0/261$	$0/244$	$13/088$	$0/000$	$0/559$	$4/704$	$0/000$
۳	سرمایه اجتماعی ارتباطی	$0/618$	$0/382$	$0/358$	$15/033$	$0/000$	$0/428$	$3/817$	$0/000$

زنجانی زاده و دیگران، (۱۳۹۳) و عنایت و رئیس، (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. در خصوص سرمایه اجتماعی نیز، طبق چارچوب نظری تحقیق باید گفت که سرمایه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و جایگاه‌هایی که افراد دارند، در واقع در حکم منابعی برای رسیدن به اهدافشان هستند که می‌توانند از آنها در روابط خانوادگی نیز استفاده کنند. براساس رهیافت تئوریک بوردیو و پاتنام سرمایه اجتماعی با ایجاد و گسترش پیوندهای اجتماعی و شبکه‌های روابط اجتماعی باعث تقویت مشارکت میان افراد و خانواده‌ها می‌شود. به عبارت دیگر افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و گسترش شبکه‌های روابط اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر مشارکت و عضویت هرچه بیشتر افراد و خانواده در فعالیتهای اجتماعی، پشتوانه‌های حمایتی در جامعه را موجب می‌شود و این پشتوانه‌های حمایتی عاملی مؤثر در جهت ارتقای جایگاه زنان در خانواده و جامعه تلقی می‌شوند (عباس‌زاده، عزیززاده اقدم و اسلامی‌بناب، ۲۰۱۲). در نهایت در تحلیل چند متغیره رگرسیونی به روش گام به گام سه متغیره وارد معادله شده‌اند. که به ترتیب عبارتند از: سرمایه اجتماعی بیرونی، سرمایه اجتماعی درونی و سرمایه اجتماعی ارتباطی می‌باشند که سرمایه اجتماعی بیرونی توان

جدول ۶ نتایج رگرسیون چند متغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته (ساختار قدرت در خانواده) نشان می‌دهد. اولین متغیر وارد شده به معادله سرمایه اجتماعی بیرونی که  $43/9\%$  درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. با وارد متغیر سرمایه اجتماعی درونی توان پیش‌بینی مدل به  $51/1\%$  می‌رسد. در مرحله سوم سرمایه اجتماعی ارتباطی وارد معادله شده است. این متغیر به همراه متغیرهای پیشین  $61/8\%$  درصد توان پیش‌بینی متغیر وابسته را دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با توزیع قدرت در خانواده (با تأکید بر سرمایه اجتماعی زنان) انجام شده است. اطلاعات این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد ساختار قدرت در خانواده در سطح  $95\%$  درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین بین سرمایه اجتماعی بیرونی، سرمایه اجتماعی درونی و سرمایه اجتماعی ارتباطی در سطح  $95\%$  درصد اطمینان رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیق سئول (۲۰۰۸)،



والدین به تبعیض جنسیتی". *مجله جامعه پژوهی فرهنگی*، ۴(۳)، ۲۵-۵۴.

زنجانی‌زاده، هما؛ صالح‌آبادی، ابراهیم و جعفریان‌یزدی، ندا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد. *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، ۹(۲)، ۴۶-۱.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). زن، قدرت و خانواده پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده. *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۳(۲)، ۵۰-۲۹.

سام‌آرا، عزت‌الله (۱۳۸۷). *موقعیت سالمند در خانواده*. مجموعه مقالات سالمندی کنفرانس بین‌المللی سالمندان در ایران، تهران، آسایشگاه سالمندان و معلولین کهریزک.

عباد نژاد، آذر (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده با تأکید بر زنان شاغل در شهر اردبیل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.

علی‌پور، خدیجه (۱۳۹۱). *بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان معلول شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز - دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

عنایت، حلیمه و رئیسی، طاهره (۱۳۹۱). *سنجش عوامل مؤثر بر توزیع قدرت در خانواده*. *توسعه و سیاست*، ۱۰(۴۱)، ۲۳-۱.

غفاری، غلامرضا و اوتق، نازمحمد (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و کیفیت مطالعات اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۱۹۹-۱۵۹.

کریمی، زهرا و جهان‌تبخ، الهام (۱۳۹۳). *عوامل مؤثر اشتغال غیر رسمی زنان جوان در ایران*، فصلنامه مطالعات اجتماعی و روانشناختی، ۱۲(۳)، ۱۱۵-۱۴۰.

گروسی، سعیده (۱۳۸۷). «بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان». *مطالعات زنان*، ۶(۲)، ۲۵-۷.

مهدوی، محمدصادق و صبوری خسرو شاهی، حبیب (۱۳۸۲). *بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده*. *مطالعات زنان*، ۲(۲)، ۶۷-۲۷.

یزدی، سیدمنور و حسینی حسین‌آبادی، فاطمه (۱۳۸۷). *رابطه ساختار قدرت در خانواده با هوش هیجانی زنان*. *مطالعات جوانان*، ۱۲(۲)، ۱۷۰-۱۵۷.

Abbaszadeh, M., Alizadeh Aghdam, M. B., & Islami Banab, S. R (2012). Investigating the relationship between social capital and social anomie. *Social Studies and Research in Iran*, 1 (1), 145-172.

Blood, R. (1964). *Marriage*. The Free Press, New York.

Bourdieu, P. (1986) *the forms of capital*, In J. Richardson (Ed). *Handbook of Theory and Research for the sociology of Education*, New York: Greenwood Press.

پیش‌بینی متغیر وابسته را داشته است. نتایج این پژوهش تأییدی بر مدل مفهومی طراحی شده است لذا سرمایه اجتماعی در توزیع قدرت میان زنان نقش اساسی و بارزی دارد. پس جای دارد در افزایش سرمایه اجتماعی خانواده در قالب ارتباطات درون خانواده و بیرون خانواده و ارتباطی در چارچوب نهادهای مدنی فعالیت‌های مؤثری صورت گیرد. از یافته‌های دیگر این تحقیق این است که بین تحصیلات زن، شوهر و والدین با ساختار قدرت رابطه‌ای معنادار وجود دارد: نتایج پژوهش بیانگر این است که با افزایش سطح تحصیلات افراد، میزان دموکراتیک شدن خانواده بیشتر می‌شود. افزایش سواد موجب تغییر نگرش افراد نسبت به الگوهای سنتی رفتار می‌گردد. با افزایش سطح تحصیلات زن، دموکراسی در خانواده نیز بیشتر می‌شود، تحصیلات به عنوان یک منبع با ارزش نقشی اساسی دارد و موجب تغییر نگرش زنان نسبت به الگوهای سنتی می‌گردد. همچنین بین درآمد زن، شوهر با ساختار قدرت رابطه‌ای معنادار وجود دارد. با افزایش سطح درآمد زنان باعث افزایش شیوه‌ی اعمال قدرت زنان می‌شود. یافته‌ی این تحقیق با یافته پژوهش‌های توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، سیرینی واسن، (۲۰۰۹)، سئول (۲۰۰۸)، عبادنژاد (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد. با توجه به نظریه‌ی منابع که چارچوب نظری پژوهش حاضر می‌باشد، ساختار قدرت در حوزه‌ی زندگی خانوادگی، تحت تأثیر منابع در دسترس هر یک از زوجین می‌باشد. با توجه به نتایج این پژوهش که با محدودیت جغرافیایی و جامعه نمونه صورت گرفته است، نیاز به پژوهش در حوزه وسیع‌تر و در سطح کشور با تنوع جغرافیایی و جامعه آماری گسترده‌تر و حوزه وسیع‌تر علمی از جمله مراکز آموزش عالی احساس می‌شود که بدیهی است با تلاش پژوهشگران این عرصه ممکن می‌گردد. از این رو پیشنهاد می‌گردد، مطالعات مشابه در مورد سرمایه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده در زندگی اقشار مختلف مردم انجام شود و مقایسه نتایج آن با پژوهش حاضر اجرا گردد.

## منابع

اعزاز، شهلا (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. چاپ هفتم. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

توسلی، افسانه و سعیدی، وحیده (۱۳۹۰). تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در شهر ایوانکی. *زن در توسعه و سیاست*، ۹(۳)، ۱۴۹-۱۳۳.

حسینی، حسین و احمدی، سینا (۱۳۹۲)، " بررسی میزان سرمایه‌های (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) خانواده و رابطه آنها با گرایش

- Coltrane, S. (2000): "Research on Household labor: Modeling and Measuring the social Embeddedness of Routine Family Work." *Journal of Marriage and the family*, 62, 1208-1233.
- Eric, B. (2001). "Women's Efficiency in Decision Making and their perception of their status in the family". *Journal of marriage & the family*, 20(1), 65-70.
- Seol, Byung-Soo (2008). "Ethnicity in the Process of Acculturation of Korean Australians: Focused on Family Life Patterns". *Journal of International Area Studies Review*, 11(1), 169-189.
- Smoreda, Z. (1995). "Power, gender stereotypes and perceptions of heterosexual couples". *British psychological society*, 34 (4), 421-435.
- Srinivasan, Kannan (2009), *Social Networks and Decision - Making: Women's Participation in Household Decisions*. Neww Dehli, India: Radiant.
- Zarei Toopkhane, M., Jan Bozorgi, M., & Ahmadi, M. R. (2015). The Relationship between Power Structure of Powerful Man in Family and Family Function. *Family Studies*, 11 (42), 218-203.

